



استاد به این مقاله: زارعی، اقبال؛ احمدی سرخونی، طاهره (۱۳۹۱). نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲(۲)، ۱۱۶-۱۰۱

نقش پیش‌بینی‌کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس

دکتر اقبال زارعی^۱، طاهره احمدی سرخونی^۲

دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۱

چکیده:

هدف از اجرای پژوهش حاضر، پیش‌بینی نقش مؤلفه‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با رضایتمندی زناشویی زوجین در شهر بندرعباس است. نمونه‌گیری به شیوه‌ی در دسترس انجام گرفته است. نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ زوج بوده است که به مراکز مشاوره شهر بندرعباس مراجعه کرده‌اند. ابزارهای پژوهش عبارتند از: پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)، پرسشنامه هوش معنوی (SQ) و پرسشنامه رضایتمندی زناشویی ENRICH. هم‌چنین پرسشنامه‌ها به صورت زوجی توسط هر دو زوج تکمیل شده است. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش همبستگی ساده و رگرسیون چندمتغیری بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که: از بین خرده مقیاس‌های مربوط به الگوهای ارتباطی و هوش معنوی زوجین، خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی از هوش معنوی بیشترین مقدار پیش‌بینی را در واریانس متغیر وابسته رضایتمندی زناشویی دارد و رابطه قوی و مثبت معنی‌داری ($p < 0/001$) وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، الگوهای ارتباطی، رضایتمندی زناشویی، زوجین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه هرمزگان eghbalzareei2010@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده moshaver1@yahoo.com

مقدمه

اگر رضایت‌مندی زناشویی حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش باشد، عدم رضایت‌مندی فقط هنگامی خواهد بود که زوجین از چیزی رنج ببرند. البته نظر افراد در این باره که چه اموری رضایت‌بخش و یا نارضایت‌بخش است، ممکن است با گذشت زمان - رشد طبیعی انسان - تغییر کند. به باور والدینگر^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، رضایت زناشویی حالتی است که در آن، زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و خوشبختی دارند. رضایت زناشویی چند رویه دارد، ولی مهم‌ترین رویه‌های آن احساسات مثبت، دوست داشتن، رضایت جنسی، همراهی در درآمد و خرج، خانه‌داری و پرورش کودکان است. رابطه‌ی زناشویی رضایت‌بخش تأثیر زیادی بر سلامت روانی و رشد شخصیتی زوجین و فرزندان آنان دارد. به نظر بورپی^۲ و لنگر^۳ (۲۰۰۵)، رضایت زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی همسران پدید می‌آید و نیازمند هم‌آهنگی پسندها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، پدید آوردن قواعد رفتاری، و شکل‌گیری الگوهای ارتباطی است؛ پس رضایت زناشویی فرآیندی تکاملی میان زن و شوهر است. از دهه ۱۹۵۰ پژوهش‌گران عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. جذابیت‌های جسمی، عاطفه، منفی‌بافی، سن ازدواج، فرزندان، زمینه‌ی اقتصادی - اجتماعی - معنوی، الگوهای ارتباطی، همه عواملی هستند که، مورد توجه بوده است (هوستون^۴ و ونگلیستی^۵، ۱۹۹۱).

شیوتا^۶ و لونسون^۷ (۲۰۰۷)، در پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که شباهت بین همسران در ابعادی نظیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی - ارتباطی، سن، قومیت، مذهب، هوش، نگرش‌ها و ارزش‌ها سطوح بالاتری از رضایت زناشویی و احتمال کمتری از جدایی و طلاق را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش روبرتز^۸ (۲۰۰۰) نشان داد پرهیز زنان از صمیمیت، پیش‌بینی‌کننده آشفتگی روابط زناشویی در مردان و رفتارهای خصمانه شوهران، مهم‌ترین عامل در کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهند که، یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، هوش معنوی^۹ می‌باشد. هوش مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و کنکاش پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و انواع آن علاقه‌مند بوده است. در این بین یکی از

^۱. Waldinger

^۲. Burpee

^۳. Langer

^۴. Huston

^۵. Vangelisti

^۶. Shiota

^۷. Levenson

^۸. Roberts

^۹. Spiritual Quotient

ابعاد هوش، تحت عنوان «هوش معنوی» از مفاهیمی است که پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه‌ی دین و معنویت شده است و تحقیقات چندان منسجم و نظام‌مندی جهت شناخت و تبیین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن و رابطه‌ی آن با سایر متغیرها از جمله رضایت زناشویی انجام نشده است. همین امر، خود دشواری‌های بسیاری را در جهت تمییز دقیق مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن ایجاد می‌نماید. هوش معنوی یا SQ همان توانایی است که به زوجین قدرت می‌دهد و زمینه تمام آن چیزهایی است که به آن معتقدند و نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش‌ها را در فعالیت‌هایی که بر عهده دارند در برمی‌گیرد (عبداله زاده، ۱۳۸۸). جاین^۱ و پورهیت^۲ (۲۰۰۶)، هوش معنوی را توانایی تجربه شده‌ای می‌دانند که به زوجین امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد این مساله، خود باعث افزایش رضایت در زوجین می‌شود. زوهر^۳ و مارشال^۴ (۲۰۰۰)، هوش معنوی را به این صورت تعریف می‌کنند: «هوشی که از طریق آن مسایل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنیم، هوشی که فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمینه‌ای وسیع‌تر، غنی‌تر، و معنادار قرار می‌دهد، هوشی که به ما کمک می‌کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنادارتر از دیگری است». هوش معنوی برای کارکرد اثربخش بهره‌ی هوشی و هوش عاطفی زوجین ضرورت دارد. زوهر و مارشال آن را هوش غایی ما می‌دانند. واگان^۵ (۲۰۰۲) نیز هوش معنوی را به عنوان توانایی ایجاد معنا مبتنی بر فهم عمیق پرسش‌های وجودی و نیز آگاهی و توانایی استفاده از سطوح چندگانه آگاهی در حل مسئله تعریف می‌کند. از نظر ایمونز^۶ (۲۰۰۰)، هوش معنوی عبارت است از ظرفیت انسان برای پرسیدن پرسش‌های نهایی درباره معنای زندگی و ارتباط یکپارچه بین ما و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم. پژوهش‌ها و بررسی‌های مختلف نشان داده‌اند که میان هوش معنوی و رضایت زناشویی همبستگی وجود دارد (عبداله زاده، ۱۳۸۸). شواهد نشان می‌دهد که تمرین‌های معنوی افزایش دهنده آگاهی و بیش‌نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری هستند و بر عملکرد و رضایت افراد تأثیر مثبتی دارند (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶). لطفی و سیار (۱۳۸۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و سلامت روان و رضایت زوجین از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. هوش معنوی موضوع جدیدی است که مطالب نظری و نیز یافته‌های پژوهشی و تجربی در مورد آن بسیار اندک است. زوجینی که از این هوش برخوردار هستند می‌توانند با مشکلات و چالش‌های زندگی

^۱. Jain

^۲. Purohit

^۳. Zohar

^۴. Marshall

^۵. Vaughan

^۶. Emmons

سازگار گردند. به همین علت اهمیت و ضرورت طرح موضوع معنویت به ویژه هوش معنوی از جهات مختلف در زندگی زوجین احساس می‌شود. این هوش به زوجین توانایی خلاق شدن می‌دهد تا بتوانند قوانین و نقش‌ها را دستخوش تغییرات خود نمایند. بر همین اساس یکی از مؤثرترین روش‌های افزایش رضایت زناشویی زوجین می‌تواند تقویت هوش معنوی این گروه باشد. تقویت این هوش سبب می‌شود افراد زندگی سالم‌تر، توانایی بیشتر برای تسلط بر شرایط دشوار داشته باشند و این به معنی رضایت زوجین از زندگی مشترک می‌باشد. یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیر گذار بر رضایت زناشویی الگوهای ارتباطی زوجین است. با به کارگیری صحیح الگوهای ارتباطی می‌توان انتظار داشت که زوجین از زندگی زناشویی خود رضایت کامل داشته باشند. چگونگی ارتباط زنان و شوهران با یکدیگر، گسترش روابط و رضایت‌مندی زناشویی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لیکن شواهد فراوانی گویای آن هستند که با وجود پیامدهای مثبت همسرگزینی، زوج‌ها در جامعه‌ی امروزی برای برقراری و حفظ روابط، مشکلات شدید و فراگیری دارند (سهرابی، ۱۳۷۷). مطالعات متعددی ارتباط بین رضایت زناشویی و الگوهای ارتباطی را مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش‌های کریستنسن^۱ (۱۹۸۴)، مبتنی بر سه الگوی مهم روابط زناشویی شامل ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، و ارتباط تقاضا/کناره‌گیری می‌باشد. الگوی ارتباطی به عنوان یک عامل مؤثر بر نحوه‌ی رضایت افراد از زندگی زناشویی مورد توجه واقع شده است. مهارت‌های ارتباطی زوج‌های جوان در تمامی جنبه‌های زندگی مشترک آن‌ها تأثیر شگرفی دارد. علاوه بر این، رضایت فردی هر یک از زوج‌ها در جنبه‌های دیگر زندگی متأثر از مهارت‌های وی در برقراری ارتباط بوده و این خود در رضایت زناشویی نقش ویژه‌ای دارد (جراره و احمدی، ۱۳۸۷). شرفی (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای دریافت که، زوجینی که الگوی ارتباط سازنده متقابل را در روابط خود به کار می‌برند، از رضایت زناشویی بالایی برخوردارند، زوجینی که از الگوهای ارتباطی اجتناب متقابل، تقاضای زن/کناره‌گیری مرد، تقاضای مرد/کناره‌گیری زن، استفاده می‌کنند از رضایت زناشویی پایینی برخوردارند. لورنتز^۲ (۲۰۰۲)، در پژوهشی دریافت که بین الگوی تقاضا/کناره‌گیری و عدم رضایت زناشویی همبستگی وجود دارد که تا حدی دوام پیدا می‌کند، اما این الگو هم چنین افزایش رضایت در همسران را نیز پیش‌بینی می‌کند. میلز^۳ (۲۰۰۸)، رفتار تقاضا/کناره‌گیری (هنگامی که زن تقاضا کند و مرد کناره‌گیری کند) را پیش‌بینی‌کننده‌ی کاهش رضایت زناشویی و در نتیجه، جدایی می‌داند. برلسون^۴ و

^۱. Christensen

^۲. Lorentz

^۳. Mills

^۴. Burleson

دنتون^۱ (۱۹۹۷)، تأیید و تصدیق کرده‌اند که در بیش‌تر مواقع، علت نارضایتی زناشویی کمبود مهارت‌های ارتباطی در بعضی از زوجین می‌باشد. احمدی علون آبادی و فاتحی‌زاده (۱۳۸۴)، در پژوهشی دریافته‌اند که بیش‌ترین میزان همبستگی بین رابطه سازنده متقابل و رضایت‌مندی زناشویی در زوجین است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند ارتباط زناشویی کارآمد پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی کیفیت زناشویی (لدبتر^۲، ۲۰۰۹) و در مقابل ارتباط زناشویی ناکارآمد سرچشمه عمده‌ی نارضایتی است (گلاسر^۳، ۱۳۸۵؛ گاتمن^۴، ۲۰۰۰). بر همین پایه می‌توان گفت مشکلات ارتباطی شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست خورده هستند (نظری، ۱۳۸۶؛ گارمن^۵، ۲۰۰۸؛ یالسین^۶ و کاراهان^۷، ۲۰۰۹). چرا که الگوهای ارتباطی ناکارآمد، موجب می‌شود مسایل مهم زندگی مشترک، حل نشده باقی بمانند و منبع تعارض تکراری در بین زوج‌ها شوند (هالفورد^۸، ۱۳۸۷؛ زانگ^۹، ۲۰۰۷). درک مشترک الگوهای ارتباطی بین زوج‌ها در واقع همان روشن‌سازی تعاملات زناشویی مثبت است که زوج‌ها را در دریافت و رشد مهارت‌های ارتباطی یاری می‌کند. مهارت‌های ارتباطی در واقع رفتارهایی را شامل می‌شود که نگهدارنده‌ی رضایت زناشویی هستند (سانفورد^{۱۰}، ۲۰۱۰). با توجه به این که حفظ ثبات خانواده اهمیت به‌سزایی دارد رضایت زناشویی به‌عنوان مهم‌ترین اصل برای ثبات و دوام خانواده مطرح بوده است، به‌گونه‌ای که اختلال در آن تهدیدی برای حفظ بقا و ثبات خانواده می‌باشد. با بالا رفتن سطح رضایت زناشویی مسلماً زوجین از نظر اجتماعی، فرهنگی، تحصیلی و ... پیشرفت می‌کنند. بنابراین آگاهی زوجین، به‌ویژه زوج‌های جوان، با انواع مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی و هوش معنوی می‌تواند به رضایت‌مندی از زندگی زناشویی آن‌ها کمک کند. هم‌چنین این پژوهش می‌تواند کمکی باشد برای درمان‌گران و مشاورانی که در مراکز مشاوره و طلاق فعالیت می‌نمایند تا از این یافته‌ها در جهت افزایش رضایت زناشویی زوجین استفاده نمایند.

بنابراین رضایت یا نارضایتی زناشویی زوجین تحت تأثیر فرآیندهای مختلفی از جمله الگوهای ارتباطی و هوش معنوی می‌باشد. هر کدام از این فرآیندها به‌عنوان فرآیندهای تأثیرگذار بر رضایت زناشویی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به دو پرسش است: (۱) آیا مؤلفه‌های

1. Denton
2. Ledbette
3. Glasser
4. Gottman
5. Gurman
6. Yalcin
7. Karahan
8. Halford
9. Zhang
10. Sanford

هوش معنوی و الگوهای ارتباطی در زوجین بارضایت‌مندی زناشویی آنان رابطه دارند؟ (۲) کدام یک از مؤلفه‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی در زوجین واریانس رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟

روش‌شناسی

جامعه و نمونه

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی از نوع همبستگی دو متغیره و رگرسیون چند متغیره است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر بندرعباس در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بوده است. نمونه پژوهش در این تحقیق تعداد ۱۵۰ زوج مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره بودند که به دلیل مشکلات و محدودیت‌های پژوهش‌گر در دسترسی به زوجین، نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد: ابتدا از بین مراکز مشاوره‌ای که در شهر بندرعباس بودند ۴ مرکز مشاوره به صورت تصادفی انتخاب گردید؛ و بالاخره از میان این ۴ مرکز مشاوره، زوجینی که حداقل دو سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود و دارای فرزند نیز بودند در این تحقیق شرکت داده شدند. در مجموع ۲۰۰ نفر از زوجین به پرسش‌نامه‌های این پژوهش پاسخ دادند که به علت عدم بازگشت تعدادی از پرسش‌نامه‌ها به پژوهش‌گر و هم‌چنین عدم پاسخ‌گویی به تمام سؤالات از سوی پاسخ‌دهندگان، در نهایت پرسشنامه‌های ۱۵۰ زوج مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. دارلینگتون (۱۹۹۰)، برگرفته از سرمد، (۱۳۸۸) تأکید می‌کنند که حجم گروه نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیره باید حداقل ۱۰ برابر تعداد متغیرها باشد. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان در کل نمونه ۶۳/۷۳ و ۱۳/۱۷، در گروه زنان ۲۹/۸۸ و ۷/۷۳ و در گروه مردان ۳۳/۸۵ و ۷/۱۰ با دامنه ۲۶ تا ۳۵ سال می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

۱- پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ): برای اندازه‌گیری الگوهای ارتباطی زوج‌ها از پرسشنامه ۳۵ سؤالی با مقیاس پاسخ‌گویی ۹ درجه‌ای (اصلاً امکان ندارد=۱ تا خیلی امکان دارد=۹) که کریستنسن و سالوی^۱ (۱۹۸۴) تهیه و آماده اجرا کردند، استفاده شد. این پرسشنامه رفتار زوج‌ها را در مراحل سه‌گانه‌ی تعارض زناشویی، شامل: الف) هنگامی که مشکلی در روابط زوج‌ها به وجود می‌آید (۴سؤال)، ب) مدت زمانی که درباره‌ی مشکل ارتباطی بحث می‌شود (۱۸سؤال) و ج) بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی (۱۳سؤال) و در سه خرده‌مقیاس الگوی ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و الگوی ارتباط

^۱. Sullaway

تقاضا/کناره‌گیری مورد سنجش قرار می‌دهد. خرده‌مقیاس الگوی ارتباط تقاضا/کناره‌گیری خود از دو بخش، شامل مقیاس:الف) تقاضا مرد/کناره‌گیری زن وب) تقاضا زن/کناره‌گیری مرد تشکیل شده است. کریستنسن و سالوی (۱۹۸۴)، ۱۶سؤال این پرسشنامه را، در خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل (۷سؤال)، ارتباط تقاضا/کناره‌گیری کلی (۶سؤال شامل تقاضا مرد/کناره‌گیری زن و تقاضا زن/کناره‌گیری مرد)، خرده‌مقیاس ارتباط اجتنابی (۳سؤال)، به عنوان کلیدی ترین شاخص برای الگوهای ارتباطی زناشویی معرفی نمودند. در این پژوهش به منظور برآورد روایی پرسش‌نامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی محاسبه گردید. ضرایب همبستگی به دست آمده برای سه خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط تقاضا/کناره‌گیری به ترتیب عبارت است از: ۰/۶۲، ۰/۶۲- و ۰/۴۵ که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار بودند. هم‌چنین، مقیاس‌های هفت سؤالی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۲ تا ۰/۷۸ برآورد شده است.

۲- پرسش‌نامه هوش معنوی (SQ): این آزمون در سال ۱۳۸۸ توسط عبدالله زاده در مورد دانشجویان هنجار شده است. پرسش‌نامه مقدماتی ۳۰ سؤالی توسط سازندگان آزمون تدوین گردید. در تحلیل سؤال به روش لوپ، یکی از سؤالات (سؤال ۱۲) حذف شد. پرسش‌نامه نهایی با ۲۹سؤال، بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) تنظیم شد. در چرخش به روش واریماکس برای کاهش متغیرها ۲عامل اصلی به دست آمد. عامل اول با ۱۲سؤال «درک و ارتباط با سرچشمه‌ی هستی» نام گذاری شد و عامل دوم با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی» نام گرفت. برای بررسی روایی، علاوه بر روایی محتوایی که سؤال‌ها با نظر متخصص‌ها (همکاران) مورد تایید قرار گرفت، از تحلیل عاملی نیز استفاده شد و همبستگی تمامی سؤال‌ها بیشتر از ۰/۳ به دست آمد. پایایی آزمون در مرحله مقدماتی به روش آلفا برابر ۰/۸۷ و در مرحله نهایی پرسش‌نامه پایایی ۰/۸۹ بدست آمد (عبدالله زاده، ۱۳۸۸). در این پژوهش به منظور برآورد روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی و روایی هم‌زمان استفاده گردید. در روایی هم‌زمان پرسش‌نامه اولیه شامل ۲۹ سؤال مربوط به دو مؤلفه‌ی (درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی) بود سپس به هر کدام از دو مؤلفه دو سؤال افزوده شد. به این ترتیب پرسش‌نامه ۳۳ سؤالی تنظیم شد و بر روی ۳۰ زوج به اجرا درآمد. سپس ضرایب همبستگی هر کدام از مؤلفه‌ها با کل پرسش‌نامه نامهدر گروه زنان و مردان محاسبه گردید که، ضرایب همبستگی به دست آمده، در جدول شماره (۱) آورده شده است. هم‌چنین پایایی به دست آمده در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه، خرده

مقیاس زندگی معنوی و خرده مقیاس درک و ارتباط با سرچشمه هستی به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۱ و ۰/۸۹ به دست آمد.

۳- پرسش‌نامه رضایت زناشویی (ENRICH): اولسون^۱ (۱۹۸۹)، از این پرسش‌نامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرد و معتقد است که هر یک از موضوع‌های این پرسش‌نامه در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات بالقوه زوجها را بیان کند، یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را مشخص سازد. پرسش‌نامه مورد استفاده دارای ۴۷ سوال است و از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است. نمره‌گذاری براساس طیف لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) و در سؤالات (۴ و ۶ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷) نمره‌گذاری به صورت معکوس می‌باشد. نمره بالاتر این پرسش‌نامه نشانه نارضایتی و نمره پایین نشانه رضایت از رابطه زناشویی است. حداقل نمره ۴۷ امتیاز و حداکثر آن ۲۳۵ امتیاز است (عبادت‌پور، ۱۳۷۹). در فرم اصلی پرسش‌نامه ENRICH، اولسون و همکارانش (۱۹۸۹)، پایایی پرسش‌نامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کردند. سلیمانان (۱۳۷۳)، پایایی پرسش‌نامه را در فرم کوتاه از طریق محاسبه ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش کرد (عبادت‌پور، ۱۳۷۹). در این پژوهش، ضریب همبستگی «پرسش‌نامه انریچ» با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰، با مقیاس‌های رضایت از زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه‌ی آن است. کلیه خرده مقیاس‌های «پرسش‌نامه انریچ» زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است.

جدول ۱: ضرایب روایی هوش معنوی در زنان و مردان در پژوهش حاضر

زندگی معنوی		درک و ارتباط با سرچشمه هستی		
مردان	زنان	مردان	زنان	
۰/۳۸۷*	۰/۵۸۳**	۰/۶۳۸**	۰/۴۱۶*	ضرایب همبستگی پیرسون
۰/۰۳۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	سطح معناداری
۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	تعداد

یافته‌ها

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ذیل استفاده شده است:

^۱. Olson

۱. جدول (۲) شاخص‌های آماری مانند میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون را بر حسب متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد.
۲. جدول (۳) آمار استنباطی جهت تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیریه منظور پیش‌بینی سهم متغیرهای مورد مطالعه استفاده شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه و همبستگی آن‌ها با متغیر رضایت زناشویی زوجین

متغیرها	تعداد	میانگین \pm انحراف معیار	رضایت زناشویی زوجین
ارتباط سازنده متقابل	۱۵۰	۲۹/۰۹ \pm ۶/۰۹	۰/۴۷ ($P < ۰/۰۰۱$)
ارتباط اجتناب متقابل	۱۵۰	۲۰/۶۰ \pm ۳/۰۴	۰/۱۹۷ ($P < ۰/۰۱۶$)
ارتباط تقاضا/کناره‌گیری	۱۵۰	۴۱/۱۴ \pm ۶/۱۸	۰/۱۱۷ ($P < ۰/۱۵۳$)
تقاضا مرد/کناره‌گیری زن	۱۵۰	۲۱/۳۷ \pm ۳/۷۳	۰/۰۷۵ ($P < ۰/۳۶۵$)
تقاضا زن/کناره‌گیری مرد	۱۵۰	۱۹/۷۷ \pm ۴/۲۲	۰/۱۰۶ ($P < ۰/۱۹۷$)
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	۱۵۰	۱۰۵/۲ \pm ۱۰/۰۱	۰/۱۲۳ ($P < ۰/۱۳۳$)
مؤلفه‌ی زندگی معنوی	۱۵۰	۱۲۱/۵۸ \pm ۱۷/۸۸	۰/۲۸۲ ($P < ۰/۰۰۱$)
رضایت زناشویی زوجین	۱۵۰	۲۳۲/۱۱ \pm ۳۳/۵۱	-

در جدول (۲) میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی، هوش معنوی و متغیر رضایت زناشویی زوجین گزارش شده است. بین مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل و رضایت زناشویی زوجین (۰/۴۷، $P < ۰/۰۰۱$)، ارتباط اجتناب متقابل و رضایت زناشویی زوجین (۰/۱۹۷، $P < ۰/۰۱۶$) و مؤلفه‌ی زندگی معنوی از هوش معنوی و رضایت زناشویی زوجین (۰/۲۸۲، $P < ۰/۰۰۱$) رابطه معنادار دیده می‌شود. این یافته‌ها به سؤال اول تحقیق پاسخ می‌دهد.

در جدول (۳) آماره‌های هم خطی^۱ متغیرهای پیش‌بین از جمله ضریب تحمل^۲ و عامل تورم واریانس^۳، بیان‌گر این هستند که همبستگی بین یک متغیر پیش‌بین با سایر متغیرهای پیش‌بین پایین است. به عبارت دیگر، این مقادیر نشان می‌دهند که متغیرهای پیش‌بین همگی مناسب هستند، به ویژه ضریب تحمل متغیر ارتباط سازنده‌ی متقابل (۰/۹۰). هم چنین بین ضریب تحمل و خطای معیار به لحاظ مقداری، رابطه

^۱. colinearity statistics

^۲. Tolerance coefficient

^۳. Variance Inflation Factor

معکوسی دیده می‌شود. این شاخص‌ها حاکی از ثبات مدل و دقت محاسباتی است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری و تحلیل واریانس رگرسیون ورود رضایت زناشویی توسط مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی و هوش معنوی زوجین

هم خطی		p	t	β	S.E	B	متغیر	
VIF	T							
-	-	۰/۰۰۱	۷/۱۴	-	۳۵/۸۱	۲۵۵/۶۸	مقدار ثابت	
۱/۱۸	۰/۹۰	۰/۰۰۱	۶/۰۸	۰/۴۶	۰/۴۲	۲/۵۴	ارتباط سازنده متقابل	رضایت
۱/۱۶	۰/۸۵	۰/۴۵۳	-۰/۷۵	-۰/۰۶	۰/۸۳	-۰/۶۳	ارتباط اجتناب متقابل	زناشویی
۱/۱۲	۰/۸۹	۰/۴۰۹	-۰/۸۳	-۰/۰۶	۰/۶۷	-۰/۵۵	تقاضا مرد/کناره‌گیری زن	زوجین
۱/۲۰	۰/۸۳	۰/۶۳۳	-۰/۴۸	-۰/۰۴	۰/۶۱	-۰/۲۹	تقاضا زن/کناره‌گیری مرد	
۱/۶۶	۰/۶۰	۰/۲۲۳	۱/۲۲	۰/۱۱	۰/۳۰	۰/۳۷	درک و ارتباط با سرچشمه هستی	
۱/۷۰	۰/۵۹	۰/۰۰۱	۳/۶۹	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۶۳	زندگی معنوی	

$$p < 0/001, F(6, 143) = 10/222, R^2 = 0/30, R = 0/55$$

نسبت F ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین مربوط به مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، تقاضا مرد/کناره‌گیری زن، تقاضا زن/کناره‌گیری مرد، مؤلفه‌ی درک و ارتباط با سرچشمه هستی و مؤلفه‌ی زندگی معنوی بر متغیر ملاک (رضایت زناشویی) نشان می‌دهد که رابطه معنی‌دار است (۲۲۲ / ۱۰ = $F(6, 143)$ ، $p < 0/0001$). به عبارت دیگر، از شش مؤلفه‌ی پیش‌بین وارد شده در معادله رگرسیون، دو مؤلفه‌ی ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی در تبیین واریانس متغیر رضایت زناشویی به عنوان یک متغیر ملاک نقش اساسی دارند (R=0/55). این دو مؤلفه به ویژه مؤلفه‌ی ارتباط سازنده متقابل زوجین روی هم رفته ۳۰ درصد واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند. به علاوه، وزن‌های رگرسیون (B و β) بیان‌گر یافته‌های به دست آمده‌اند. این یافته‌ها به سؤال دوم پژوهش پاسخ می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازه‌ی رضایت زناشویی از روی مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی و هوش معنوی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندر عباس انجام پذیرفت. رضایت از زندگی زناشویی احساس خویشتن‌اندی، رضایت‌مندی و لذت تجربه شده به وسیله‌ی یک زوج است، هنگامی که تمام جنبه‌های زندگی زناشویی خود را مورد توجه قرار می‌دهند (اولسون، ۱۹۸۹). به دلیل اهمیت خانواده، پژوهش‌گران درصدد کشف راز و رمزهایی هستند که رضایت‌مندی زناشویی زوجین را فراهم سازد. مسلماً زوجین زمانی به وظایف خود به طور کامل عمل خواهند کرد که احساس رضایت‌مندی از زندگی زناشویی خود را داشته باشند (جراره و احمدی، ۱۳۸۷). با توجه به اهمیتی که جامعه برای رضایت زناشویی زوجین قایل است، بررسی و شناخت عواملی که منجر به رضایت طرفین می‌گردد، ضروری به نظر می‌سد. از میان این عوامل می‌توان به الگوهای ارتباطی و هوش معنوی اشاره کرد. احساس رضایت زوجین از زندگی می‌تواند باعث رشد مادی و معنوی جامعه باشد.

یافته‌های این مطالعه در ارتباط با همبستگی بین متغیرهای الگوهای ارتباطی و هوش معنوی معنادار بود. رضایت زناشویی بیش‌ترین همبستگی را به ترتیب با مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل، زندگی معنوی و ارتباط اجتناب متقابل داشت. تحقیقات مختلف بیان‌گر این هستند که مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی در زوجین نقش مهمی در افزایش سطح رضایت‌مندی زناشویی دارند. ارتباط، سنگ زیر بنای خانواده‌ی سالم و موفق است. هنگامی که خانواده از الگوهای سالم و مؤثر استفاده می‌کند، اعضا درک واضحی از محتوی و قصد هر پیام دارند و کل نظام خانواده قادر است وظایف خود را در قبال اعضا بهتر به انجام رساند.

بنابراین ارتباط مثبت لازمه‌ی خشنودی زناشویی قلمداد می‌شود (فیتز پاتریک و بادزینسکی^۱، ۱۹۹۴). تحقیقات کریستنسن (۱۹۸۴)، برلسون و دنتون (۱۹۹۷)، بورپی و لنگر (۲۰۰۵)، شیوتا و لونسون (۲۰۰۷)، زانگ (۲۰۰۷)، گارمن (۲۰۰۸)، کاراهان (۲۰۰۹)، جراره و احمدی (۱۳۸۷)، هالفورد (۱۳۸۷)، نظری (۱۳۸۶)، احمدی و فاتحی زاده (۱۳۸۴) و شرفی (۱۳۸۲) نشان دادند که الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی با یکدیگر رابطه دارند. برخی از پژوهش‌گران (از جمله نظری، ۱۳۸۶؛ گارمن، ۲۰۰۸؛ یالسین و کاراهان، ۲۰۰۹) معتقدند که مشکلات ارتباطی شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست

^۱. Fitzpatrick & Badzinski

خورده هستند چرا که الگوهای ارتباطی ناکارآمد، موجب می‌شود مسایل مهم زندگی مشترک، حل نشده باقی بمانند و به منبع تعارض تکراری در بین زوجها تبدیل شوند (هالفورد، ۱۳۸۷؛ زانگ، ۲۰۰۷). درک مشترک الگوهای ارتباطی بین زوجها در واقع همان روشن‌سازی تعاملات زناشویی مثبت است که زوجها را در دریافت و رشد مهارت‌های ارتباطی یاری می‌رساند. مهارت‌های ارتباطی در واقع رفتارهایی را شامل می‌شود که نگهدارنده‌ی رضایت زناشویی هستند (سانفورد، ۲۰۱۰).

بر طبق دیدگاه ایمونز (۲۰۰۰)، هوش معنوی نوعی هوش غایی است که مسایل معنایی و ارزشی را به ما نشان داده و اعمال و رفتار ما را در گستره‌های وسیع از نظر بافت معنایی جای می‌دهد (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰).

یافته‌های به دست آمده در این پژوهش با نتایج مطالعات هوستون و ونگلیستی (۱۹۹۱)، زوهر و مارشال (۲۰۰۰)، ایمونز (۲۰۰۰)، واگان (۲۰۰۲)، جاین و پورهیت (۲۰۰۶)، شیوتا و لونسون (۲۰۰۷)، غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶)، لطفی و سیار (۱۳۸۷) و عبدالله زاده (۱۳۸۸) در ارتباط با معناداری مؤلفه‌های هوش معنوی و رضایت زناشویی همسو می‌باشد. چنان‌که، جاین و پورهیت (۲۰۰۶) معتقدند هوش معنوی توانایی تجربه شده‌ای است که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیش‌تر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد. این مسئله خود باعث افزایش رضایت در زوجین می‌شود. همچنین لطفی و سیار (۱۳۸۷) در پژوهشی نیز به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و سلامت روان و رضایت زوجین از زندگی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون هم نشان داد که از بین مؤلفه‌های مربوط به الگوهای ارتباطی و هوش معنوی وارد شده به معادله رگرسیون به ترتیب مؤلفه‌های ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی بیش‌ترین مشارکت و نقش در پیش‌بینی متغیر رضایت زناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره را برعهده دارند. یافته‌های گاتمن (۲۰۰۰)، روبرتز (۲۰۰۰)، لورنتز (۲۰۰۲)، میلز (۲۰۰۸)، لدبتر (۲۰۰۹)، سانفورد (۲۰۱۰) و گلاسر (۱۳۸۵) با این یافته هم‌خوان هستند. چنان‌که میلز (۲۰۰۸) معتقد است، رفتار تقاضا/کناره‌گیری (هنگامی که زن تقاضا کند و مرد کناره‌گیری کند) پیش‌بینی‌کننده‌ی کاهش رضایت زناشویی و در نتیجه، جدایی می‌باشد.

هم چنین (لدبتر، ۲۰۰۹)، به این نتیجه رسیده است که ارتباط زناشویی کارآمد پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی کیفیت زناشویی و در مقابل ارتباط زناشویی ناکارآمد سرچشمه عمده‌ی نارضایتی است. به طور کلی می‌توان این گونه استنباط کرد که چنان‌چه الگوی ارتباط سازنده‌ی متقابل به عنوان الگوی غالب در

روابط زناشویی به کار برده شود با افزایش رضایت زناشویی زوجین همراه خواهد بود. هم چنین با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که الگوی ارتباط اجتناب متقابل و تقاضا /کناره‌گیری در روابط زوجین، به عنوان الگوهای مخرب، رضایت زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. زوجینی که این الگوها در روابط آنها حاکم است سطح صمیمیت و رضایت زناشویی آنها به شدت کاهش می‌یابد. روابط زوجین معمولاً ثبات کمی داشته و احتمالاً به طلاق منجر می‌شود.

در ارتباط با هوش معنوی می‌توان گفت که آموزش و به کارگیری مهارت‌های هوش معنوی به زوجین با افزایش رضایت آنها همراه خواهد شد. کاربرد مهارت‌هایی هم چون باور داشتن به حضور ملکوتی و الهی خداوند در جهان و زندگی مشترک‌شان، توکل به خداوند در اوج سختی‌ها و بحران‌های زندگی خود، اعتقاد به این که زندگی‌شان با معنا، هدف‌مند و دارای ارزش است، رضایت‌مندی زناشویی آنها را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که در هدف پژوهش بیان شد مسئله رضایت زناشویی به عنوان مهم‌ترین عامل از هم پاشیدگی و دور شدن زوجها از یکدیگر است که می‌تواند مسایلی از قبیل عدم درک متقابل، بر آورده نشدن انتظارات و خواسته‌ها و واکنش‌های رفتاری نامطلوب را به دنبال داشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود که به آموزش روش‌ها و الگوهای ارتباطی و آموزش‌های ویژه در رابطه با هوش معنوی پرداخته شود. پژوهش‌هایی با موضوع تأثیر آموزش مهارت‌های الگوهای ارتباطی و هوش معنوی بر افزایش رضایت زناشویی زوجین انجام شود، با تشکیل جلسات مشاوره گروهی برای زوج‌هایی که مشکلات ارتباطی دارند، می‌توان با بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر، آنها را در اصلاح الگوهای غلط ارتباطی یاری نمود. با توجه به شرایط فرهنگی - مذهبی جامعه ما بایستی که به خرده‌مقیاس زندگی معنوی از هوش معنوی توجه بیش‌تر نشان داده و در جهت رشد و تعالی زوجین برای افزایش رضایت زناشویی گام‌های مؤثرتری برداشته شود.

به علت عدم دسترسی همگان به خدمات مشاوره‌ای، پیشنهاد می‌شود از افراد متخصص در امر خانواده، جهت آشنا کردن مردم با این مسایل و هم چنین از رسانه‌های گروهی، به ویژه تلویزیون به عنوان پر مخاطب‌ترین رسانه، استفاده به عمل آید. این پژوهش در راستای هدف خود با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از جمله این محدودیت‌ها، وجود متغیرهای کنترل نشده و تداخل آنها در پژوهش مورد نظر است. هم چنین بررسی و اجرای تحقیق فقط روی زوجین شهر بندر عباس بود که این مسئله، تعمیم‌پذیری یا اعتبار بیرونی این پژوهش را محدود می‌سازد.

کتابنامه

- احمدی، سید. احمد. فاتحی زاده، مریم. (۱۳۸۴). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایت‌مندی زناشویی زوجین شاغل، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۲)، ۵-۱۱.
- برنشتاین، ف. اچ. و برنشتاین، م. تی (۱۳۷۷) زناشویی درمانی (شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی)، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران: انتشارات رسا.
- جراره، جمشید. و احمدی، رقیه (۱۳۸۷)، ارتباط درمانی زوج‌ها و خانواده، تهران: انتشارات رشد فرهنگ.
- سرمد، زهره (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگه.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیرات تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه تربیت معلم.
- شرفی، علی. (۱۳۸۲). رابطه بین الگوهای ارتباطی و سلامت روان معلمان زن دوره ابتدایی و همسران آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عبادت پور، بهناز (۱۳۷۹)، هنجاریابی پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عبداله زاده، حسن (۱۳۸۸)، ساخت و هنجاریابی پرسش‌نامه هوش معنوی. تهران: نشر روان سنجی.
- عبداله زاده، حسن؛ باقر پور، معصومه؛ بوژمهرانی، سمانه و لطفی، محدثه (۱۳۸۸)، هوش معنوی: مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن، تهران: انتشارات روان سنجی.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶)، هوش معنوی. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۱۰(۲۹)، ۱۱-۲۶.
- گلاسر، ویلیام (۱۳۸۵)، نظریه انتخاب (روان‌شناسی نوین آزادی فردی) ترجمه: مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- لطفی، محدثه. و سیار، سمیه (۱۳۸۷)، رابطه هوش معنوی و سلامت روان، فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور بهشهر، ۱(۳-۲)، ۵۹-۶۶.
- نظری، علی. محمد (۱۳۸۶)، مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی، تهران: انتشارات نشر علم.
- هالفورد، کیم (۱۳۸۷)، زوج‌درمانی کوتاه مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مزده کاردانی و فروغ جعفری، تهران: انتشارات فراروان.

- Burleson, B. R., & Denton, w. H (1997), the relationship between communication skill and marital satisfaction: some moderating effects, *journal of marriage and the family*, 59, 884 - 902.
- Burpee, Leslie, and Ellen Langer(2005), "Mindfulness and Marital Satisfaction," *Journal of Adult Development*, 12(1),43-51.
- Christensen, A (1984), Communication patterns questionnaire. Unpublished questionnaire, university of California, losangeles,28(4), 497-504.
- Christensen, A.& sullaway, M (1984), Communication patterns questionnaire. Unpublished questionnaire, university of California losangeles,22(1), 143-190.
- Emmons, R.A (2000), Is spirituality intelligence? Motivation , cognition , and the psychology of ulimate concern. *The international Journal for the psychology of religion*, 10 (1), 3- 26.
- Fitzpatrick, M.A., Badzinski, D.M (1994),All in the family: Interpersonal communication in kin relationship. Inm.L. knapp & G.R. Miller (EdS.) *Handbook of interpersonal communication* . California: sage publication, INC,15 (1),65-79.
- Gain, M. and Purohit, P(2006), Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens, *journal of the Indian Academy of Applied psychology*, 32 (3), 227- 233.
- Gottman. J.& levenson .R.S (2000), The social psychophysiology of marriage. In P. Noller& M.A. Fitzpatrick (EdS).*Perspectives on marital Interaction* (pp.182-202).clevedon . England. And Philadelphia: multilingual matters,22(4),366-475.
- Gurman, A.S(2008),*Clinical handbook of couple therapy*, New York: The Guilford Press,27 (1), 123-136.
- Ledbetter, M.A (2009). Family communication patterns and relational maintenance behavior: Direct and mediated association with friendship closeness, *Human Communication Research*, 35(1), 130-147.
- Lorentz, chemene, D. (2002). Husband and wife communication behaviors: A look at gender difference and their relationship to satisfaction and distress, *Independent research project .university of wyoming*,12,155-169
- Mills, L. G,(2008), "Shame and Intimate Abuse: The Critical Missing Link between Cause and Cure", *Children and Youth Services Review*, 30(6),631-638.
- Olson, D. H., &fowers , B. J (1989), Enrich marital inventory: a discriminant validity and cross- validity assessment, *Journal of marital and family therapy*, 15 (1), 65-79.
- Roberts, L. J (2000), Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress, *Journal of marriage & family*, 62, 623-707.
- Sanford. K (2010), Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings, *Journal of Family Psychology*, 24(2), 165-174.
- Shiota, M. N., & levenson, R..w (2007). Birds of feather don't always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long-term marriages, *Journal of psychology and aging*, 22 (4), 666-675.
- Vaughan, F (2002),What is spiritual intelligence? sage publication, *journal of humanistic psychology*,6(1),3-24
- Waldinger, Robert J., Marc S. Schulz, Stuart T. Hauser, Joseph P. Allen, and Judith A(2004), "Reading Others' Emotions: The Role of Intuitive Judgments in Predicting

- Marital Satisfaction, Quality, and Stability,” *Journal of Family Psychology*, 18(1),58–71.
- Yalcin, M.B., & Karahan, F (2009), The effect of couple communication program on passive conflict tendency among married couples, Department of Educational Sciences, 55139 Kuruplit/ Samsun, Turkey,10, 845- 858.
- Zhang.Q(2007), Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent – child relationships, *Communication Quarterly*, 55,113-128.
- Zohar, D. marshal , L (2000), SQ- spiritual intelligence, the ultimate intelligence, New York & London : Bloomsbury publishing ,2,4-10

